بسمه تعالی

**موضوع**: بررسی حکم قرائت سور عزائم /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[بررسی روایات دال بر عدم مبطلیت سور عزائم در نماز 1](#_Toc99469703)

[کلام محقق خویی 2](#_Toc99469704)

[دو بیان در دلالت روایت بر جواز قرائت عزائم 3](#_Toc99469705)

[بررسی بیان اول 4](#_Toc99469706)

[کلام محقق همدانی 4](#_Toc99469707)

[بیان استاد در نقد بیان اول 5](#_Toc99469708)

[بررسی بیان دوم 6](#_Toc99469709)

[کلام علامه مجلسی 7](#_Toc99469710)

[احتمالات مطرح شده در کلام علامه مجلسی راجع به روایت تهذیب 7](#_Toc99469711)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته به بررسی برخی از روایاتی که دال بر عدم جواز قرائت سور عزائم در نماز پرداخته شد. سپس برخی از روایات دال بر جواز نیز مطرح شد، در این جلسه به ادامه بیان روایات دال بر جواز پرداخته می شود.

## بررسی روایات دال بر عدم مبطلیت سور عزائم در نماز

بحث در روایاتی بود که جواز قرائت سور عزائم از آن ها استظهار شده بود. برخی از آن ها بیان شد، به روایت قرب الإسناد رسیدیم که متن آن چنین بود:

« **سألته عن إمام قرأ في السجدة فأحدث قبل أن يسجد كيف يصنع قال يقدم غيره فيسجد و يسجدون و ينصرف فقد تمت صلاتهم**»[[1]](#footnote-1)

علی بن جعفر می گوید از امام کاظم علیه السلام سوال کردم که امام جماعتی سورۀ سجده دار خواند و قبل از اینکه سجده برود، محدث شد، چه کند؟ امام فرمودند که یکی از افرادی که پشت سرش است را جلو بیاورد، او سجده می کند و مأمومین نیز سجده تلاوت می کنند و امام اول می رود. در این صورت نمازشان نیز صحیح است. محقق خویی فرموده اند که این روایت صریح در صحت این نماز است، لکن به دلیل ضعف سند کنار گذاشته می شود؛ چه اینکه عبدالله بن حسن در سند این روایت است که توثیق ندارد. بلی، در تهذیب به سند صحیح این حدیث را با متنی متفاوت نقل می کند:

« أَحْمَدُ بْنُ‌ مُحَمَّدٍ عَنْ‌ مُوسَى بْنِ‌ الْقَاسِمِ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ جَعْفَرٍ عَنْ‌ أَخِيهِ‌ **مُوسَى بْنِ‌ جَعْفَرٍعَلَيْهِمَا السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنْ‌ إِمَامٍ‌ قَرَأَ اَلسَّجْدَةَ‌ فَأَحْدَثَ‌ قَبْلَ‌ أَنْ‌ يَسْجُدَ كَيْفَ‌ يَصْنَعُ‌ قَالَ‌ «يُقَدِّمُ‌ غَيْرَهُ‌ فَيَتَشَهَّدُ وَ يَسْجُدُ وَ يَنْصَرِفُ‌ هُوَ وَ قَدْ تَمَّتْ‌ صَلاَتُهُمْ**‌»[[2]](#footnote-2)

موسی بن قاسم که در این سند آمده، از اجلای اصحاب است و نجاشی در وصف او می گوید:

«موسى بن القاسم بن معاوية بن وهب البجلي‏ أبو عبد الله يلقب المجلي، ثقة ثقة، جليل، واضح الحديث، حسن الطريقة. له كتب»[[3]](#footnote-3)

در نقل قرب الإسناد تعبیر «فیسجد و یسجدون» داشت ولی در این روایت تشهد و سجده امام مطرح شده است.

### کلام محقق خویی

 محقق خویی فرموده است که این سند صحیح است و متن آن نیز دلالتی بر صحت نماز جماعت آن ها نمی کند؛ زیرا اگر امام می فرمود «فیسجد و یسجدون» که در روایت قرب الإسناد بود، معنایش این می شد که سجده تلاوت را به جا می آورند و نمازشان نیز صحیح است ولی در این روایت فرض نشده است که مأمومین سجده به جا آورند. صرفا مسئله سجده و انصراف امام اول آمده است که با حدث، نمازش باطل شده بود. امام دوم و سایر مأمومین سجده تلاوت به جا نیاورده اند. این ها سماع کرده اند و سماع آیه سجده دار موجب وجوب سجده نمی شود. آنچه واجب است قرائت آیه سجده دار یا استماع آن است، ولی مأموم وقتی سماع کرده است سجده بر او واجب نیست. بنابراین شاید متن حدیث در اصل همین متن تهذیب باشد و دلالتی نیز بر صحت نمازی که آیه سجده دار بخوانند و سجده کنند، نمی کند. مفاد فرمایش محقق خویی این است که اگر کسی عبدالله بن حسن را ثقه بداند و متن روایت عبدالله بن حسن ثابت شود، این روایت دلالت می کند بر اینکه سور سجده دار در نماز خواندن، ولو اینکه بعدش سجده نیز بشود، موجب بطلان نماز نمی شود[[4]](#footnote-4).

محقق سیستانی فرموده اند که این روایت دلالت بر صحت نماز شخصی که سجده تلاوت می کند، دارد.

### دو بیان در دلالت روایت بر جواز قرائت عزائم

 دو بیان برای دلالت این روایت برای صحت نماز می توان ارائه کرد:

1.اولین بیان، بیانی است که محقق سیستانی مطرح نکرده اند؛ توضیح اینکه چه با نقل قرب الإسناد و چه با نقل تهذیب، امام علیه السلام اصلا اعتراض به خواندن سجده توسط امام اول نکرده اند. فرض علی بن جعفر این بود که امام سورۀ سجده را خوانده و سپس محدث شده است، امام علیه السلام اصلا اعتراضی به خواندن سجده نکرده اند. علی بن جعفر بحث را به حاشیه برده است و گفته مشکل از اینجا شروع شد که قبل از اینکه سجده کند محدث شده است، امام نیز هیچ اعتراضی نکرده اند که چرا شخص سوره سجده دار خوانده است، پس معلوم می شود اشکالی ندارد.

گفته نشود که شاید امام، امام عامی بوده است و سور عزائم می خواندند و خیلی هایشان سجده نیز می کرده اند. زیرا در جواب گفته می شود این مطلب گرچه در برخی از روایات درست است، ولی گفته می شود که در این روایت درست نیست؛ زیرا راوی می پرسد که این امام چه کند؟ معلوم می شود امامی است که گوش به سخن معصوم علیه السلام می دهد. یعنی ظاهر روایت این است که سوال در مورد کسی است که تابع امام معصوم است و اگر وظیفه را برسانند، ترتیب اثر می دهد.

2.بیان دوم، بیانی است که محقق سیستانی مطرح کرده اند. ایشان فرموده اند: گرچه سند قرب الإسناد مورد پذیرش نیست، ولی این روایت با سند صحیح که همان سند تهذیب است ثابت شده است. دقت شود که محقق بروجردی و محقق سیستانی می فرمایند نسخه ای که اکنون از کتاب علی بن جعفر موجود است، ثابت نیست و نقل های صاحب وسائل نیز از این کتب معتبر نیست، زیرا صاحب وسائل این کتب را از طریق وجاده به دست آورده است. یعنی نسخه ای را به دست آورده است که در آن کتاب علی بن جعفر نوشته است. این وجاده به نظر محقق بروجردی معتبر نیست، ولی محقق خویی معتبر می دانند. در هر حال این روایت در تهذیب که نقل شده است، با مشکل سندی دچار نیست، محقق سیستانی فرموده اند سند این روایت را ما از تهذیب و متن آن را از قرب الإسناد می گیریم؛ بدین بیان که ایشان می فرمایند متنی که در تهذیب آمده است قطعا غلط است؛ زیرا در آن آمده است «تمت صلاته» در حالی که این جمله معنایی ندارد. آیا واقعا امام اول که احداث حدث کرده نمازش تمام است؟ قطعا اینطور نیست، پس معلوم می شود که این متن غلط است. بنابراین متن وارد شده در تهذیب تصحیف همان متن قرب الإسناد است. بنابراین «فیتشهد و یسجد» که در تهذیب آمده، تصحیف همان تعبیر «یسجد و یسجدون» است. وقتی تصحیف آن شد، روایت چنین می شود که از لحاظ سندی با تهذیب درست می شود و از لحاظ دلالی با متن قرب الإسناد درست می شود. اینگونه تصحیح متن را تصحیح قیاسی می گویند، یعنی تصحیح یک متن با قیاس و مقایسه با متون دیگر، ولو اینکه سند ضعیف باشد.

ما می بینیم که در تهذیب اصلا تعبیر به «تمت صلاته» نیست، هرکجا نقل شده «تمت صلاتهم» است. چطور می توان گفت که «فیتشهد و یسجد» تصحیح «یسجد و یسجدون» است؟ شاهدی ندارد. خلاصه اینکه دو تقریب برای روایت در جواز قرائت سور عزائم مطرح شده است که یک تقریب به اصل سوال علی بن جعفر باز می گردد، و تقریب دوم از طریق تصحیح قیاسی متن است.

### بررسی بیان اول

در بررسی تقریب اول عرض می کنیم:

##### کلام محقق همدانی

 محقق همدانی رحمه الله اول فرموده است که برخی گفته اند مراد از روایت بیان نماز نافله است؛ یعنی گرچه امام شیعی بود ولی از روی تقیه در شب های ماه مبارک نماز تراویح را به جماعت می خوانده است. مأمومین نیز برخی شیعی هستند. همین که خود امام شیعی باشد کافی است. به نظر ما این احتمال خیلی خلاف ظاهر است که روایت حمل بر امام شیعی شود که نماز نافله را به جماعت می خواند و علی بن جعفر نیز این فرض را می گیرد و آن لوازم سوال را حذف می کند. این ها خلاف ظاهر است و اینطور حمل ها عرفی نیست.

خود محقق همدانی می فرماید که شاید نسیانا این امام سورۀ سجده دار خوانده است؛ یعنی نماز واجب بوده ولی عادت داشت که سورۀ های قرآن بخواند، در نماز نیز سورۀ علق و آیه اش را نسیانا می خواند و بعد ملتفت می شود که چرا این کار را کردم؟! وقتی می خواست سجده تلاوت کند، محدث می شود.

انصافا این کلام نیز خلاف ظاهر است. اگر واقعا فرض نسیانی بود، علی بن جعفر در سوال مطرح می کرد. حمل بر نسیان عرفی نیست.

سپس خود محقق همدانی فرموده است که این روایت قابل جمع عرفی نیست؛ در نهایت فرموده است که با روایاتی که دال بر بطلان نماز در صورت قرائت سور عزائم است، تعارض می کند. گفته می شود که چرا جمع عرفی نشود؟ مثلا روایت ناهیه حمل بر کراهت شود. کما اینکه محقق داماد و محقق سیستانی حمل بر کراهت کرده اند. ایشان می فرمایند: تعلیل «فإن السجود زیادۀ فی المکتوبۀ» اباء از حمل بر کراهت دارد و کالصریح در حکم الزامی دارد. بنابراین تعارض مستقر بین این روایت و روایات دال بر بطلان نماز است. نوبت به مرجحات می رسد. این روایت علی بن جعفر موافق عامه است، در حالی که روایات ناهیه از قرائت سور عزائم، مخالف عامه است. شهرت نیز می تواند مرجح بعدی روایت قاسم بن عروۀ شود، بنابراین روایت قاسم بن عروۀ از دو جهت دارای مرجحیت است[[5]](#footnote-5).

محقق سیستانی فرموده اند که تعلیل «زیادۀ فی المکتوبۀ» صراحتی در حکم ندارد، اتفاقا در روایت علی بن جعفر که در قرب الاسناد مطرح شده است که تعبیر به زیاده در فریضه داشت، گفته شد که به قرینه اینکه امام علیه السلام فرموده اند که «ثم یقوم فیقرأ فاتحۀ الکتاب»، می رساند که نماز را می تواند ادامه دهد لکن کار خوبی انجام نداده است.

##### بیان استاد در نقد بیان اول

به نظر ما اینکه امام علیه السلام سکوت کرده اند و نفرموده اند که این امام جماعت چرا سورۀ سجده دار را خوانده است، دلیل نمی شود بر اینکه ما بگوییم سکوت امام علامت رضایت ایشان به کار امام جماعت بوده است؛ زیرا:

1.ممکن است متن روایت اینطور باشد: «سألته عن امام قرأ السجده فأحدث قبل أن یسجد، کیف یُصنَع؟ قال یقدم غیره» امام که سورۀ های سجده دار را می خواند، نوعا امام سنی بود در مساجد عامه و شیعه ها نیز از باب تقیه خوفیه یا مداراتیه شرکت می کردند. اگر نماز امام باطل نمی شد و احداث حدث نمی کرد، وظیفه مأمومین که شیعه بودند معلوم بود، وظیفه شان این بودکه امام به سجده می رفت و مأمومین نیز متابعت می کردند ولو از باب تقیه، نمازشان را نیز ادامه می دادند و صحیح بود. حال این امام سنی که عادتا سور عزائم می خواند، قبل از اینکه سجده تلاوت کند نمازش با حدث اصغر باطل شد، این شیعه هایی که اقتداء به وی کرده اند چه کنند؟ وظیفه شان چیست؟ او که دیگر نمازش را رها کرده و رفته است و اگر هم سجده تلاوت کند در ضمن نماز نیست، حال باید چه کند؟ بنابراین وظیفه امام را نمی پرسد تا گفته شود که مناسب بود حضرت علیه السلام بفرمایند که این امام اگر می گویید چه باید بکند معلوم می شود کسی است که گوش به حرف امام می دهد، متعارف این بود که اهل سنت که امام جماعت می شدند گاهی سور عزائم می خواندند و اکنون نیز می خوانند. ممکن است سوال این باشد که آن شیعه ای که آنجا است باید چه کند؟ امام فرمودند یکی دیگر را جلو می فرستند. پس دیگر نمی توان گفت که معصوم علیه السلام چرا سکوت کرده اند. اتفاقا در برخی از روایات آمده است که مأمومین کسی را جلو می فرستند و نماز را با وی ادامه می دهند. بنابراین سوال راوی نیز صرفا سوال از یک فرض است. مثل سوالات دیگری که در برخی از روایات آمده است که از فروضی سوال می کرده اند. می خواهد بپرسد که با توجه به اینکه متعارف نیز این بود که سنی ها سور عزائم را می خواندند. در این فرض وظیفه شیعه چیست؟ امام می فرماید یک نفر را جلو بیندازند و نماز را ادامه بدهند.

2.جواب دوم این است که گفته شود: تعبیر روایت «کیف یَصنع» است یعنی فعل معلوم است، لکن سوال حیثی است. اکثریت در آن زمان با عامه بود، مسائل فقه نیز واضح نبوده است. شیعیان می آمدند و سوال می کردند، حتی فرضی که امام جماعت سنی بود و آیه سجده دار را می خواند را سوال می کردند که این احداث قبل از أن یسجد را سوال می کنند که وظیفه چیست؟ یعنی این امام که عقیده ما را مبنی بر ممنوعیت سور عزائم قبول ندارد، حال که می خواند، اگر قبل از سجده محدث شود، شما در چنین فرضی چه جوابی دارید؟ اکنون نیز برخی از عامه مسئله از علمای شیعه می پرسند، در این صورت عالم در جواب نمی گوید که اصل کار شما خراب است، همین سوالی که کرده است را جواب می دهند. مثل صحیحه عبدالصمد بن بشیر که کسی که احرام در ثیاب کرده بود عامی بود ولی امام جواب می دهند. مبنا را زیر سوال نبرده اند که عبادت صحیح نیست، سوال از این حیث بوده که چه کند؟ امام نیز از این حیث جواب داده اند. در اینجا نیز از این حیث سوال پرسیده است که باید چه کند؟ حال اینکه امام سکوت کرده و سور عزائم خواندن را مواخذه نکرده اند، دلیل بر این نیست که حتما امام شیعه بوده است و حضرت کارش را قبول داشته است. سوال فقط از این حیث بوده است که احداث قبل از سجده کرده است باید چه کند؟ سوال از چیز های دیگر و مبانی که او قبول داشته نیست. اگر قرار بود سوال از چیز های دیگر نیز باشد، امام باید نسبت به وضوی باطل او نیز تذکر می داد؛ چون وضوی آن ها نیز ایراد دارد. بنابراین این احتمال این است که بگوییم چون عادتا عامه اینطور می خوانده اند سوال از این فرض است که حال چه باید کرد؟ امام نیز از این حیث جواب فرموده اند. ظهوری ندارد که سورۀ سجده دار خواندن در نماز صحیح است.

### بررسی بیان دوم

اما تقریب دوم که استشهاد به نقل قرب الإسناد بود، مرحوم علامه مجلسی هر دو نقل را بررسی کرده و احتمالاتی را ذکر فرموده است.

#### کلام علامه مجلسی

 ایشان در مورد متن قرب الإسناد فرموده است که مراد روشن است، امام اول احداث حدث قبل از سجود تلاوت کرده است، دیگری را می آورند از مأمومین که امام شود، او سجده می کند و دیگران نیز سجده می کنند. امام اول نیز به دنبال کار خود می رود. نماز این ها نیز صحیح است. این دلالت می کند که قرائت سور عزائم در فریضه جایز است.

 ما فعلا این مقدار را از کلام ایشان بررسی کنیم. می گوییم هیچ دلالتی بر اینکه قرائت سور عزائم جایز است، نمی کند؛ زیرا فرض این است که امام اول قرائت کرده است، سایرین نهایتا استماع کرده اند، امام دوم قرائت نکرده است. بیان وظیفه مصلی در اثنای نماز در صورت سماع یا استماع بحث دیگری است که ربطی به بحث قرائت عزائم ندارد. این زیاده سجود تلاوت دیگر زیاده عمدیه نیست، ولو به برکت همین روایت علی بن جعفر باشد.

#### احتمالات مطرح شده در کلام علامه مجلسی راجع به روایت تهذیب

اما راجع به نقل تهذیب، ایشان می فرماید که احتمالاتی در روایت است:

1.احتمال اول اینکه تمام این ضمایر به امام اول بخورد. «یقدم غیره» یعنی خود امام اول اشاره می کند که مأموم دیگری جلو بیاید. تشهد می کند شاید مستحب باشد که قبل از سجده تلاوت تشهد هم بکند که دیگر ربطی به بحث ندارد. نماز این امام باطل شده است تشهد می کند و سجده می کند و سپس می رود.

2.احتمال دوم این است که به امام دوم بخورد. یعنی امام دوم نمازش را تمام کند و تشهد کنایه از اتمام نماز است. و سجده و انصراف مربوط به امام اول باشد. این احتمال دوم نیز دلالتی بر صحت نماز با سجده تلاوت نمی کند.

3.احتمال سوم این است که «یتشهد و یسجد» به امام دوم بخورد و انصراف به امام اول بخورد. این سه احتمالی است که در کلام علامه مجلسی وارد شده است[[6]](#footnote-6).

در جلسه آینده به بررسی کلام ایشان می پردازیم.

1. . قرب الإسناد (ط. القدیمة) (قرب الإسناد (ط. القدیمه))، صفحه: ۹۴. [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص293.](http://lib.eshia.ir/10083/2/293/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85) [↑](#footnote-ref-2)
3. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص405.](http://lib.eshia.ir/14028/1/405/%DA%A9%D8%AA%D8%A8) [↑](#footnote-ref-3)
4. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج14، ص314.](http://lib.eshia.ir/71334/14/314/%D8%AA%D9%85%D8%AA) [↑](#footnote-ref-4)
5. [مصباح الفقیه، رضا همدانی، ج12، ص209.](http://lib.eshia.ir/10156/12/209/%D8%AA%D9%85%D8%AA) [↑](#footnote-ref-5)
6. [بحار الانوار، محمّد باقر المجلسی (العلامة المجلسی)، ج82، ص15.](http://lib.eshia.ir/71860/82/15/%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86) « بيان: روي هذا الخبر في التهذيب بسند صحيح عن علي بن جعفر و الجواب هكذا قال يقدم غيره فيتشهد و يسجد و ينصرف هو و قد تمت صلاتهم. و الخبر يحتمل وجوها الأول أن يكون فاعل التشهد و السجود و الانصراف جميعا الإمام الأول فيكون التشهد محمولا على الاستحباب للانصراف عن الصلاة و السجود للتلاوة لعدم اشتراط الطهارة فيه. الثاني أن يكون فاعل الأولين الإمام الثاني بناء على أن الإمام قد ركع معهم و المراد بقول السائل قبل أن يسجد قبل سجود الصلاة لا سجود التلاوة و لا يخفى بعده. الثالث أن يكون فاعل التشهد الإمام الثاني أي يتم الصلاة بهم و عبر عنه بالتشهد لأنه آخر أفعالها و يسجد الإمام الأول للتلاوة و ينصرف. الرابع أن يكون فاعل الأولين الإمام الثاني و يكون المراد بالتشهد إتمام الصلاة بهم و بالسجود سجود التلاوة أي يتم الصلاة بهم و يسجد للتلاوة بعد الصلاة». [↑](#footnote-ref-6)